

CAHAYA VERMANSYAH از جاکارتا، اندونزی

بازدید مسلمانان سابق از جهنم برای دیدن سرنوشت مسلمانان

ترجمه خودکار

سال 2004

من یک مسلمان سابق هستم و از مسیحیان و یهودیان متنفر هستم. خانواده من نفرت را نسبت به مردم خدا تحریک کردند. اسلام می آموزد که ما باید همه مردم ادیان دیگر را بکشیم زیرا آنها ناپاک هستند. آنها هر کسی را که مرتکب جرم فکری یا جنایت سیاسی می شود، تحت قوانین شریعت قرار می دهند. تنها گزینه آنها تبدیل شدن به یک مسلمان است. کسانی که اشکارا از اسلام انتقاد می کنند به صلیب کشیده می شوند. یکی از راه های مجازات آنها بریدن دست هایشان است. آنها مردان و زنان زناکار را سنگسار می کنند. شوهران می توانند همسران خود را کتک بزنند و زنان فقط باید با مسلمانان ازدواج کنند. شوهران می توانند بر خلاف کتاب مقدس چندین بار طلاق بگیرند و ازدواج کنند. مردان می توانند با چندین زن ازدواج کنند و به فیض عیسی اسیب برانند. اگر به زن تجاوز شود و چهار شاهد نداشته باشد، سنگسار خواهد شد.

قانون شریعت اسلامی شکنجه و مرگ را در مقایسه با کتاب مقدس که کتاب زندگی و عشق است، ترویج می کند. تناقضات این دو کتاب را ببینید. قطع عضو یک مجازات اسلامی است. کسانی که به نام خدا به قتل میسند، قهرمانند. قوانینی برای حلق اویز کردن و کتک زدن وجود دارد. نرم ترین قانون شلاق است.

هنگامی که خانواده من متوجه شدند که گروهی از مسیحیان در عبادت با عیسی پنهان شده اند، ما به مقامات اطلاع دادیم. یک روز یک گروه از مسلمانان توسط یک خانواده دیگر برای تبدیل شدن به مسیحیت گزارش شد. مردان با چاقو، سنگ و میله های اهنی وارد شدند و این گروه از مسیحیان را به قتل رساندند. این یک گروه خشن است که تلاش می کند با ایجاد جنگ حکومت کند. دین اسلام خیلی بیشتر از یک فرقه است. آنها یک حزب منحصر به فرد مرتبط با دولت هستند و یک جناح جنایتکار هستند. تفاوت قاچاقچیان مواد مخدر با دین اسلام چیست؟ هر دو به خاطر منافعیان مردم را میکشند.

برای خانواده من، خدا قبلا وعده نجات در عیسی را داده بود. همه چیز از زمانی شروع شد که پدرم سعی کرد یک مسیحی را با چاقو بکشد. او به خانه مرد حمله کرد. مسیحیان به زانو در می آیند و هیچ وقت نماز خود را متوقف نمی کنند.

پدرم، پس از ورود به آن محل اقامت، فرشته ای را دید که نزدیک مرد بود. او ترسید و فرار کرد، زیرا فرشته شمشیر را به سمت او نشان داد و گفت: به مسیح خدا دست نزید.

پدرم آن روز مسیحی شد و این داستان را برای خانواده تعریف کرد. خانوادهام به پدرم اعتقاد داشتند چون میدانستم او مردی نیست که دروغ بگوید، اما خانوادهام میخواستند به قوانین مسلمانان وفادار باشند.

مادرم، با ترس زیادی که خانواده ممکن است مجازات شود، به پدرم گفت که به عیسی تبدیل نشود. پدرم گفت: کلام خدا می گوید که ما نباید والدین را بیشتر از عیسی دوست داشته باشیم. من با عیسی می مانم و به استرالیا می روم. شهادت پدرم تاثیر عمیقی بر زندگی ما داشت. در استرالیا او مرد دیگری بود. تمام خانواده به عیسی تسلیم شدند و کشور ما را ترک کردند. آنها ازادی عبادت خدا را می خواستند. من به خاطر زن متاهل بودن با آنها سفر نکردم. فقط من و شوهرم که او نیز به عیسی تبدیل شده بود، در آنجا ماندیم.

تغییر دین شوهرم اسان نبود، او تقریبا مرا با شلاق کشت. من به خاطر اینکه نمی خواستم به محمد خدمت کنم شلاق خورده بودم، تا اینکه یک روز عیسی به شوهرم ظاهر شد، او علائم ناخن را در دستانش نشان داد. شوهرم دستهایش را لمس کرد.

عیسی گفت: "من روحی نیستم که برخاسته ام و زنده هستم، همسر تو در مسیر درست است، اگر از من پیروی کنی، روزی بدن شما جلال و جاودانه خواهد شد."

شوهرم قبل از عیسی که رفت و او را خوشحال کرد، زانو کرد. شوهرم هرگز مسلمان بودن را متوقف نخواهد کرد اگر اتفاق فوق العاده ای رخ ندهد که زندگی او را تغییر دهد. بعد از آن روز من و شوهرم به چند مسیحی پیوستیم.

ما شروع به موعظه انجیل کردیم و یک کمسیون میسر تشکیل شد. این کمسیون شروع به به دست آوردن بسیاری از روح. یک روز زانو زدم تا دعا کنم. 9 نفر از جمله من و همسرم بودیم. یک گروه مسلمان به محل ملاقات رسیدند. سه برادر توانستند فرار کنند. شش برادر بسته و کتک خوردند. آنها از دست ما بسیار عصبانی بودند و گفتند که ما سزاوار مرگ هستیم. من شیاطینی رو دیدم که این ادما رو تسخیر کردن من همراه با گروه دستگیر شدم. آنها ما را به اسارت بردند. ما وارونه اویزان شده بودیم. دستها و پاهایمان را زنجیر کرده بودیم. مبهتری که با صدای بلند دعا می کرد، زبانش را قطع کرد. همه ما از زخمها خونریزی میکردیم. آنها سر ما را با سنگ های پل تیز زدند. ما داشتیم وارونه میزدیم نمیدانیم ما را کجا بردند. چیزی که می توانم بگویم این است که ما در عذاب مرگ بودیم، سرماخوردگی و خونریزی. آنها ما را خائن خطاب کردند.

چشمانم تاریک شد و ذهنم از کار افتاد. وقتی بیدار شدم، در بدنم نبودم که اویزان بود. پنج نفر از این برادران مرده بودند. کسی که هنوز زنده بود هنوز گردنش بریده شده بود و در آن لحظه مرده بود. روح من این صحنه وحشتناک را در آن زمان دید.

شش فرشته از آسمان پایین آمدند و هر کدام یکی از آنها را به افتخار بردند. آنها روحشان را جمع کردند و به بهشت بردند. این مرا بسیار خوشحال کرد که می دانستم تمام رنج های آنها پاداشی دارد.

فرشته مرا به پادشاهی آسمان هدایت کرد، جایی که ساختمان های زیبا از طلا را دیدم که شبیه قلعه هستند. جای فوق العاده ای است. هیچ توصیفی برای صحبت از بی اندازه بودن آن مکان وجود ندارد. پنج برادری که با من شهید شدند وارد خانه هایشان شدند و نامشان روی لوح های طلا نوشته شده است. آنها را قهرمانان ایمان می نامیدند. آنها به خاطر تلاش هایشان در آسمان پاداش می گرفتند.

من و فرشته از آسمان به اسارت فرود آمدیم.

مسلمانان پنج جسد را گرفتند و دفن کردند. وقتی یک مسلمان بدنم را برای دفن کشید، مرا به جایی دور از دید دیگران برد. فرشته در کنار من به او ظاهر شد و گفت: "شما نمی توانید این جسد را دفن کنید. او نخواهد مرد زیرا من او را به خانه ای خواهم برد و آنها از زخم هایش مراقبت خواهند کرد. این مسلمان فلج شده بود بدون اینکه باور کند که فرشته ای را می بیند. با ترس زیادی از فرشته، او بدن من را دفن نکرد.

سپس یک فرشته مرا به یک خانواده مسیحی دیگر برد. اما کسانی که میترسیدند خانواده خود را از دست دهند و عیسی را انکار کردند. آنها نمیخواستند به خاطر خانواده و اموالشان بمیرند. این مسیحیان مجبور به خدمت به محمد شدند.

جهنم

فرشته مرا به جایی برد که مسلمانان با ارتش در جنگ بودند. بسیاری از این مسلمانان در جنگ کشته شدند. و روحشان به جهنم فرو رفت. من دیدم که زمین باز شد و روح آنها را در داخل فرو برد. من و فرشته از سوراخی که روی زمین باز شده بود پایین آمدیم.

ما به دهانه جهنم می رسیدیم که یک درب و یک قفل دارد. ورود جهنم با حضور این فرشته آغاز شد. ما وارد شدیم و در دهانه جهنم ماندیم. دندان ها در آن مکان رشد کردند و روح این افراد را سوراخ کردند. بسیاری از ارواح توسط دهان جهنم سوراخ و جویده شدند. و نیرویی روحها را به پایین هل داد.

من و فرشته از گلولی جهنم پایین رفتیم و به مری رسیدیم. عذاب جهنمی که در آن به وجود می آید، بسیار دردناک است. روح ها در آن مکان خرد شده اند.

ما به شکم جهنم رفتیم. آتش با اسید مخلوط شده است. روح آن منطقه بدن خود را ذوب کرده بود. لاروهای آتش اثر خورنده ای دارند که روح هایی را که در آن مکان سقوط کرده اند خراب می کند. من دمای بالای آن مکان را احساس کردم. گرما غیر قابل تحمل است و هر کاری که نزدیک به ذوب شدن باشد انجام می دهد. سطح گوگرد که در آن منطقه متمرکز شده است، گرما را بسیار گرمتر می کند. بدون توقف عرق میکردم و پوستم شروع به خشک شدن کرد. من یک کم ابی بزرگ داشتم که من را مسن تر کرد.

ما وارد جهنم شدیم. در آن مکان بدترین مردم جهان هستند که مرتکب بی رحمانه ترین گناهان شده اند. افرادی که همسایه خود را تکه تکه کرده اند، مرتکب این گناه وحشتناک شده اند. بسیاری از گل و لای تیره فاسد پر از مدفوع، ادرار و حیوانات فاسد. اونجا کثیف ترین جایی بود که راه میرفتم و بدبوترین مکان بود باکتری های جهنمی بدن روح ها را می بلعینند. کرم های 10، 20 و 50 سانتی متری از روح تغذیه می کردند. این کرم ها روح ها را گاز می گرفتند و تمام مواد را می مکینند تا زمانی که مردم مانند یک میوه شور پژمرده شدند.

من جایی را در جهنم دیدم که گوشت را به دلیل گرانش بالا خرد می کند. روحها کتک میخورند و خرد میشوند. آن تکههای کوچک ناله کردند و جابجا شدند. هیچ چیز در آن مکان نمرده است. مرگ چیزی را که قبلا مرده است، نمی کشد. اما دردهای مرگبار برای همیشه در این مکان باقی می ماندند. مرگ بر روی زمین، درو کردن کسانی است که زنده اند. جهنم محل مرگ است. هیچ زندگی وجود ندارد، مرگ نمی تواند آنها را بکشد یا زندگی آنها را بگیرد، زیرا کسانی که در جهنم زندگی می کنند قبلا زندگی خود را گرفته اند.

فرشته و من به کبد جهنم رفتیم. وقتی به آنجا رسیدیم، شعلههای آتش بزرگ شدند و ما را پوشاندند. آتش سعی کرد ما را زمین بزند، اما نوری که فرشته را احاطه کرده بود از ما محافظت کرد. این قسمت از جهنم، آتشی است که ارواحی را که در آنجا هستند می بلعد. اون مکان شبیه یه هیولاست هر چیزی که اونجا بود میخواست بهمون حمله کنه این چیزها زندگی داشتند. من چند چشم در جهنم دیدم که من و فرشته را تماشا کرد. آتش مثل شیر غرش میکرد.

جادوگری

ما به ریه چپ جهنم رفتیم و یک خط معنوی را که به زمین رسید، در نظر گرفتیم. فرشته گفت: "این ارتباط معنوی قوی زمین با جهنم است. این ارتباط از طریق شیطان پرستی، جادوگری و سایر ادیان دروغین است. تمام جادوگری هایی که روی زمین انجام می شود با ریه های جهنم مرتبط است. من مشاهده کردم که از این مکان مقدار زیادی انرژی جهنمی به زمین جریان دارد. تمام این نیروی شیطانی به زمین رسید و مردم را قادر ساخت تا اسرار را تمرین کنند.

جاسوسان شیطانی

ما به چشم راست جهنم رفتیم. جایی وجود دارد که زمین توسط جاسوسان شیطانی تماشای می شود. آنها می توانند برخی از کلیساهای را ببینند که مشکلات را ایجاد می کنند و برای حمله به آنها برنامه ریزی می کنند.

فناوری

ما به جهنم رفتیم و شیطان را دیدیم که روی تختش نشسته بود. این جایی است که اختراعات بزرگ تکنولوژیکی، شیمیایی و علمی برای نابودی بشریت مطرح می شوند.

محمد مسلمان

فرشته به من نشان داد بسیاری از مسلمانان در جهنم. آنها آنجا هستند زیرا قرآن آنها را قاتل کرده است. قرآن شمشیرها را به گردن مسیحیان می فرستد و کسانی که زنده می مانند زندانی می شوند. آنها مردم را تحت آزار و اذیت قرار می دهند و آنها را به دین خود مطیع می کنند. آنها مردم را از زمین بیرون می کنند تا بر آن تسلط داشته باشند. آنها زنان را دستگیر می کنند و آنها را به عنوان همسر می گیرند، حتی اگر ازدواج کرده باشند. آنها سر زندانیان را قطع می کنند، به زنان تجاوز می کنند و کودکان را به بردگی می گیرند. من خلیفه ها را در جهنم دیدم.

من محمد را در جهنم دیدم. او برای نوشتن انجیل دیگری فراتر از آنچه کتاب مقدس می آموزد وجود دارد. محمد دروغگو است. او قرآن را که در جهنم طراحی شده بود، اختراع کرد. این فرشته جبرئیل نبود که بر او ظاهر شد، بلکه شیطان او را فریب داد. محمد به خاطر تشنه به خون و شرکت در سنگسار در جهنم است.

من یک هشدار از عیسی به مسلمانان، تبدیل به عیسی و یا همه شما در جهنم به پایان خواهد رسید. دست از باور کردن دروغ بردار شما می گویند کسانی که به نام خدا شهید می شوند، حق دارند هفتاد و دو باکره در بهشت داشته باشند. شما با بمب گذاری بر روی بدن خود خودکشی می کنید و فکر می کنید که به بهشت می روید. تو داری میری جهنم من بسیاری از مسلمانان توبه کار را برای انجام بمب گذاری انتحاری دیده ام. آنها در حال حاضر در جهنم هستند. جهاد یا جنگ مقدس زندگی ابدی را تضمین نمی کند، فقط عیسی زندگی است. بهشت یک واحه نیست. تو از خدای حقیقی عشق خبر نداری خواندن:

[یوحنا فصل 3 ایه 16:](#) "زیرا خدا جهان را چنان دوست داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه حیات جاودانی داشته باشد.

[افسیان فصل 2 ایه 9،](#) رستگاری پاداشی برای کارهای خوبی نیست که ما انجام داده ایم، بنابراین هیچ یک از ما نمی توانیم در مورد آن افتخار کنیم.

[اول یوحنا فصل 3 ایه 1،](#) ببینید که چقدر پدر ما را دوست دارد، زیرا او ما را فرزندان خود می نامد، و این چیزی است که ما هستیم! اما افرادی که به این دنیا تعلق دارند، نمی دانند که ما فرزندان خدا هستیم، زیرا آنها او را نمی شناسند. [Apocalypse 22.](#)

عیسی پیامبر نیست، او خداست. خواندن:

[اول یوحنا فصل 5 ایه 11 تا 21،](#) و این است کتاب، که خدا به ما زندگی ابدی داده است، و این زندگی در پسرش است. کسی که پسر دارد، حیات دارد. و کسی که پسر خدا را ندارد، حیات ندارد. تا این چیزها را بدانید من برای شما نوشتم که به نام پسر خدا ایمان دارید. تا بدانید که حیات جاودانی دارید و به نام پسر خدا ایمان آورید. و این است اعتمادی که ما به او داریم، که اگر چیزی را مطابق اراده او بپرسیم، او ما را می شنود؛ و اگر ما می دانیم که او ما را می شنود، آنچه که ما می خواهیم، می دانیم که ما درخواست هایی را که از او خواسته ایم، داریم. و اگر کسی ببیند که برادرش گناهی کرده است که تا به حال موت نیست، درخواست کند و او را برای کسانی که گناه نکرده اند، زنده کند. مرگ بر او حرام است و من نمی گویم که او برای آن دعا کند. هر ظلمی گناه است و گناه تا موت نیست. ما می دانیم که هر از خدا مولد گناه نمی کند، اما کسی که از خدا زاده شده است، خوشتن را حفظ می کند و آن شریر او را لمس نمی کند. و ما می دانیم که ما از خدا هستیم و تمام جهان در شرارت قرار دارد. و ما می دانیم که پسر خدا آمده است و به ما فهم داده است تا او را که راست است بشناسیم و در اویم که راست است، حتی در پسرش عیسی مسیح. این خدای واقعی و زندگی ابدی است. ای فرزندان، خود را از بت ها دور نگه دارید. آمین.

[کولسیان فصل 1 ایه 15،](#) چه کسی تصویر خدای نامرئی، اولین فرزند هر مخلوق است:

[کولسیان فصل 2 ایه 9،](#) زیرا در او تمام fulness of the Godhead bodily ساکن است.

[میکاه فصل 5 ایه 2،](#) اما تو، بیت لحم افراشته، هر چند در میان هزاران یهودا کوچک باشی، اما او از تو نزد من بیرون خواهد آمد تا بر اسرائیل حکومت کند؛ که بیرون آمدنش از قدیم و از ازل بوده است.

شما به خدا و رسولش محمد که در جهنم است ایمان دارید. اما به پدر پسر و روح القدس ایمان نمی آورید. خواندن:

[متی فصل 3 ایه های 16 تا 17،](#) و عیسی، هنگامی که تعمید گرفت، مستقیماً از آب بیرون آمد، و اینک، آسمان به روی او گشوده شد، و او دید که روح خدا مانند کبوتر فرود می آید و بر او نور می آورد.

[یوحنا فصل 14 ایه های 16 تا 17](#) و من از پدر دعا خواهم کرد و او تسلی دهنده دیگری به شما خواهد داد تا تا ابد با شما بماند. حتی روح حقیقت؛ کسی که دنیا نمیتواند او را قبول کند، زیرا او را نمیبیند و او را نمیشناسد، اما شما او را میشناسید. زیرا او با شما ساکن است و در شما خواهد بود.

[متی فصل 21 ایه 19](#) و چون درخت انجیری را در راه دید، به آن نزدیک شد و چیزی بر آن نیافت، جز برگها، و به آن گفت: از این پس میوه برای همیشه بر تو رشد نکند. و درخت انجیر پژمرده شد.

[یوحنا فصل 15 ایه 16:](#) "شما مرا انتخاب نکرده اید، بلکه من شما را برگزیده ام و به شما مقرر کرده ام که بروید و میوه بیاورید و میوه خود را باقی بگذارید تا آنچه از پدر به نام من بخواهید، آن را به شما بدهد.

[دوم قرنتیان فصل 13 ایه 14](#) فیض خداوند عیسی مسیح، و محبت به خدا، و عشاء ربانی روح القدس، با همه شما باشد. آمین.

و [افسیان فصل 2 ایه 18،](#) زیرا از طریق او هر دو به وسیله یک روح به پدر دسترسی داریم.

فرشته مرا پایین آورد.

من در خانه مسلمانان بودم. اونا میخواستن جسد رو دفن کنن من یک روز مرده ماندم و به ان مسلمان بازگشتم که فرشته به او دستور داده بود از من مراقبت کند. این مرد مسیحی شد و به همراه همسرش از رنج های من مراقبت کردند.

من انجیل را به یک دختر مسلمان موعظه کردم. او تغییر دین داد و از خانه فرار کرد تا والدینش متوجه نشوند و مجازات او را اعمال نکنند.

من در خانه مسلمانی که از من مراقبت می کرد بهبود یافتم و به جایی که خانواده ام بودند سفر کردم. شوهرم برنگشت و برای همیشه رفت تا با برادران دیگری که با او مردند، در شکوه و جلال باشد. خدا اجازه داد اجساد آنها دفن شود، اما جسد من دفن نشد. من شاهد آسمان روی زمین بودم تا کار رستگاری را به مردم مسلمان گزارش دهم.

عیسی خیلی بیشتر از آنچه دین مسلمان ارائه می دهد ارائه می دهد. عیسی مسیح برای روح آنها زندگی ابدی دارد و بدن آنها را زنده می کند که یک روز می میرند. جاودانگی پیروزی شما خواهد بود، فقط زندگی خود را به عیسی تسلیم کنید. به جای نفرتی که نسبت به مردم دارید، عشق عیسی به قلب شما حمله خواهد کرد. مردم را نکشید، به آنها کمک نکنید و درباره عیسی به آنها بگویید. شما پاداش خود را دریافت خواهید کرد.

همه شما را دوست دارم در آرامش خدا بمون امین